

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۰۶ سپتمبر ۲۰۲۳



محمد محق

هراس بی جا از سکولاریسم در افغانستان

خلاف تبلیغات دروغینی که گروه‌های سیاسی بنیادگرا به راه انداخته‌اند، سکولاریسم نه به معنای بی‌خدایی است، نه به معنای اسلام‌ستیزی و نه به معنای ضدیت با هیچ دین دیگری. موضوع اصلی سکولاریسم تفکیک قلمروها و برقراری توازن میان آن‌هاست، قلمرو عرصه خصوصی از عرصه عمومی، قلمرو وحی از قلمرو عقل، و قلمرو دین از قلمرو دولت‌داری. یعنی در کجا باید به علم و تجربه مراجعه کرد و در کجا به وحی و دین، بدون این‌که یکی جای را بر دیگری تنگ کند. این رویکرد با روح اسلام کاملاً سازگار است و دلایل فراوانی از قرآن و سنت می‌توان به تأیید آن ارائه کرد.

همچنان، سکولاریسم بی‌طرفی دولت در برابر همه اعتقادات و ایدئولوژی‌هاست. یعنی این‌که در ارائه خدمات به شهروندان هیچ گونه تبعیضی بر پایه افکار و اعتقاداتشان رخ ندهد. در جوامعی که سکولاریسم بدرستی تحقق یافته است همه شهروندان مساوی و همه ادیان محترمند، بی‌هیچ فرقی میان مسجد، حسینیه، کلیسا و سینیگاگ. در این جوامع نه کسی اجازه مزاحمت برای دین‌داران دارد و نه برای غیر دین‌داران. سکولاریسم در اساس راهکاری است برای جلوگیری از سوء استفاده از دین در راستای اهداف دنیوی. برای کوتاه کردن دست شیفتگان قدرت و ثروت از ابزار ساختن آن. سکولاریسم از این جهت کاملاً به نفع دین است، زیرا دین‌داری‌های ریاکارانه و نمایشی رنگ می‌بازد و فرصت گرفتن امتیازات دنیوی به نام دین از میان بر می‌خیزد.

خشم گروه‌های بنیادگرا بر سکولاریسم از این است که چرا به آنان اجازه نمی‌دهد تا با استفاده از قوه قهریه به سرکوب گروه‌های رقیب پرداخته و صدای آنان را خاموش کنند. بیش‌ترین تبلیغات منفی به ضد سکولاریسم در طی یک قرن گذشته از سوی حزب تحریر، القاعده، طالبان، اخوان المسلمین، و دنباله‌روان این‌ها صورت گرفت، زیرا راهی بود برای پنهان کردن ناتوانی‌شان از درک بحران‌های جوامع توسعه‌نیافته و درماندگی از حل آن‌ها. در واقع مشکلات

جوامع محرومانده از توسعه همانند است، چه اسلامی و چه غیر اسلامی، از افریقا و امریکای لاتین تا شرق اروپا و جنوب آسیا، و این ربطی به دین ندارد.

دروغ این گروه‌ها در باره سکولاریسم را از این‌جا می‌توان کشف کرد که بسیاری از رهبران اخوان و سایر گروه‌های بنیادگرا عاشق زندگی در ترکیه، لندن، جرمنی، فرانسه، اسکانیدیناویا، استرالیا، کانادا و امریکا هستند، نه افغانستان، ایران، سودان یا دیگر مناطق تحت کنترل بنیادگرایان در سوریه، صومالیای لیبیا، و مالی. در هر جا که بنیادگرایان دینی به حکومت رسیده‌اند تبعیض و انحصارگرایی بوده است حتی در برابر رقباتی که هم‌فکران خودشان بوده‌اند. به عکس، در جوامعی که سکولاریسم بدرستی تحقق یافته است مسلمانان اجازه دارند که مساجد، مکاتب، مراکز اسلامی، رسانه‌های تصویری، نشریات چاپی و هر گونه فعالیت مسالمت‌آمیز قانونی خود را به پیش ببرند، بدون توجه به این‌که اخوانی‌اند یا تحریری، سلفی‌اند یا صوفی، شیعه‌اند یا سنی و غیره.

چرا با یک مشت دروغ و فریب مانع هم‌زیستی مسالمت‌آمیز شهروندان در جوامع ما می‌شود؟ چرا آن‌چه را برای خود و فرزندان خود می‌پسندند برای بقیه مردم نمی‌پسندند؟ چرا دختران خودشان به قطر، ترکیه، فرانسه و انگلستان تحصیل کنند و دختران مردم در افغانستان اجازه تحصیل نداشته باشند؟ چرا دین را تبدیل به هیولائی وحشتناک می‌کنند که ابزار شکنجه و سرکوب مردم باشد؟

باید هراس را کنار بگذاریم و از گفتن حقایق تردیدی به خود راه ندهیم. کسی که می‌خواهد با سکولار خواندن دیگران تجریح‌شان کند، شکی نداشته باشید که فریبکار است و خبث نیت دارد. باید مردم بدانند که سکولاریسم هم به سود دین‌شان است و هم به سود دنیای‌شان. باید کسی حق نداشته باشد که به نام خدا بر کرده مردم سوار شده و از آنان بهره‌کشی کند. باید کسی حق نداشته باشد که مقدسات را وسیله شهوت‌رانی، پول‌اندوزی و منصب‌پرستی خود کند. سکولاریسم یعنی همین.